

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

پردیس خاطرهای از ایران ویج*

زینب خسروی^۱

چکیده

پردیس واژه ایرانی باستان است که به زبان فارسی رسیده و از زبان‌های ایرانی وارد تمام زبان‌های دنیا شده است. مفاهیم مینوی پردیس بر اندیشه اسلامی تأثیر نهاده؛ هرچند مفهوم پردیس در این جهان‌بینی دگرگون شده است، اما ساخت پردیس که در ایران از قدمت بسیاری برخوردار است، در دوران اسلامی ادامه یافته و بازآرایی آن در قالب نقش و نگارهای پردیسی، در هنر فرش رخ نشان داده است. واژه پردیس و ساخت مکان‌هایی با این نام، برای نخستین بار در دوران هخامنشی آشکار شد و بعدها مورد تقلید شاهان سلوکی و رومی قرار گرفت. در پژوهش پیش رو، کوشیده‌ایم تا علت ساخت مکان‌هایی با نام پردیس، در دوره هخامنشی بیابیم. در فرضیه مطرح شده، پردیس بازنمایی کهن‌الگوی قومی یعنی بهشت ازلی ایرانی، ایران ویج می‌باشد که در ساخت این مکان، جغرافیای ایران، تغییر نظام اقتصادی آریایی‌های تازه‌وارد به فلات ایران از دامداری به کشاورزی و اندیشه سیاسی نضج گرفته و در دوره مادی‌ها از اثرگذاری بسزایی برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: پردیس، آرمان‌شهر، ایران ویج، هگمتانه، پردیس‌های هخامنشی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

z.khosravi@uma.ac.ir

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۹

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

۱. مقدمه

پردیس در فرهنگ ایرانی آرمان‌شهری است که بازنمایی از یک بهشت ازلی را ارائه می‌دهد. آرمان‌شهرتصویر خیالی برگرفته از خاطره‌ ازلی انسان از بهشت است که از رؤیاهای کودکانه انسان آغاز شده و به طور کلی خودآگاهانه و ناخودآگاهانه در ترسیم الگوهای انتزاعی از جهان آرمانی موعود در افق‌های محسوس مادی و فرامادی مؤثر بوده است (پرهام و قائمی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). آرمان‌شهر که تأثیر بسیاری بر تفکر ایرانی داشته، به صورت گوناگون در ادبیات نمودار شده (همان: ۱۵۳) و مفهوم انتزاعی آرمان‌شهر، از دوره هخامنشی به بعد در جغرافیای فلات ایران به صورت معماری آشکار شده است (کخ، ۱۳۸۷: ۳۱؛ عالمی، ۱۳۹۰: ۷۰). در واقع شاهان ایرانی اهتمام بسیار ورزیدند تا آرمان‌شهر خود را بر جهان زمینی و در جغرافیای فلات ایران به نمایش گذارند.

۱-۱. شرح و بیان مسئله

آرمان‌شهر در حوزه فرهنگی ایران، یکی از ارکان اندیشه سیاسی ایران باستان است. اندیشه سیاسی ایران باستان شامل شاه‌آرمانی، آرمان‌شهر و طبقات سه‌گانه اجتماعی می‌باشد (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۶۱). از آنجا که اندیشه سیاسی ایران گریز برداری از وقایع مثالی است، ساخت آرمان‌شهر ایرانی انباز گشتن با جهان مثال و امر قدسی است (همان منبع: ۲۰۰). هانری کربن جهان مثالی آرمان‌شهر ایرانی را زمین دریافت شده به صورت ازلی، در ایران‌ویج که تخیل مزدایی آن را به صورت تمثیلی درآورده و در مرکز روح قرارداده، دانسته است (کربن، ۱۳۵۸: ۱۹۴). گرچه در اساطیر ایران، ایران‌ویج تصویر یک محیط افسانه‌ای یا یک دوران زندگی بدوی را در ذهن متبادر می‌سازد، اما ورای رمز و داستان، نشانه‌ای هم از تجربه واقعیت را به همراه دارد، این مکان مسکن نخستین آریایی‌ها بود که پیش از ورود به فلات ایران در آن می‌زیستند و خاطره آن سرزمین را، از آن جهت که در آن زندگی پرآرامش و زیبایی داشتند، در ذهن خویش حفظ کردند و تمام گذشته‌های زندگی خویش را با این سرزمین مرتبط یافتند (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۱۶).

در پژوهش حاضر سؤال اساسی این است که چه علل و عواملی در ساخت پردیس در دوره ماد و هخامنشی دخیل بوده‌اند و چگونه تأثیر خود را در معماری دوره ماد و هخامنشی جلوه‌گر ساختند؟

۱-۲. هدف پژوهش

هدف این جستار شناخت فرایندی است که منجر به شکل‌گیری پردیس به صورت دیداری در دوره ماد و هخامنشی در جغرافیای ایران شده است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

از آثاری که از منظر معماری به بررسی باغ‌سازی ایرانی پرداخته، کتاب «باغ ایرانی» تألیف «فاطمه حیدری و ایران بهبهانی» است (حیدری و بهبهانی، ۱۳۸۷: ۵) و مقاله «باغ و باغ‌آرایی» نوشته «امرا... صفری» (صفری، ۱۳۶۵: ۳) همچنین «باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن» اثر «دونالد ویلبر» (ویلبر، ۱۳۸۵: ۱۰) و نیز پژوهش «نمادشناسی و نشانه‌شناسی عناصر باغ‌های ایرانی با توجه به عناصر فین کاشان» نوشته «معصومه طوسی و نظام‌الدین امامی‌فر» (طوسی و امامی‌فر، ۱۳۹۰: ۵۹) و مقاله «نمادپردازی در باغ ایرانی با حس طبیعت در باغ‌های سلطنتی صفوی» تألیف «مهوش عالمی» (عالمی، ۱۳۹۰: ۶) همچنین «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایرانی» اثر «دیوید استروناخ» هستند (استروناخ، بی‌تا: ۵۴). «هانری کربن» در کتاب «ارض ملکوت، کالبد انسان در روز رستاخیز از ایران مزدایی تا ایران شیعی» به شناسایی سرزمین‌های مینوی از ایران پیش از اسلام تا دوران اسلامی روی آورده است (کربن، ۱۳۵۸: ۷). «محمد رضایی‌راد» در کتاب «مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی» آرمان‌شهر را یکی از شاکله‌های اندیشه سیاسی در ایران باستان برشمرده و به معرفی چند آرمان‌شهر در متون اوستا و پهلوی چون ایران‌ویج، ورجمکرد و کنگ دژ پرداخته است (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۶۱ تا ۲۵۱) و نیز «مهدی پرهام و فرزاد قائمی» در پژوهش «کهن‌الگوی شهر پردیسی و انواع و نمودهای آن در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی» نمودهای آرمان‌شهرها را در متون پهلوی و ادبیات فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند (پرهام و قائمی، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

۴-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت این مقال از این روست که هرچند پژوهش‌های بسیاری در باب مفاهیم فلسفی پردیس شده و نیز ویژگی‌های باغ‌سازی ایرانی هم در دوره ایران باستان و هم در دوره اسلامی به فراوانی بررسی شده است اما هم‌چنان به علل و عوامل ظهور و بروز این پدیده مهم هویت‌بخش فرهنگی توجه نشده و از نظرها مهجور مانده است. در این پژوهش ایران‌ویج به مثابه بهشت ازلی هم در جغرافیای واقعی و هم در جغرافیای مثالی در نظر گرفته شده است. حال باید دید ویژگی‌های ایران‌ویج به عنوان بهشت ازلی چه بوده که در مرکز اندیشه ایرانی قرار گرفته و پردیس به عنوان آرمان‌شهر بازنمایی از آن شده است.

۲. بحث

۲-۱. ایرانویج به مثابه بهشت ازلی

تا سال‌ها پیش بر سر مکان‌یابی ایرانویج میان محققان اختلاف نظر بسیاری مطرح بود، برخی مکان آن را در شمال‌شرق ایران و عده‌ای در حدود آذربایجان جستجو می‌کردند (کریستن‌سن، ۱۳۸۲: ۱۸)، اما کریستن‌سن برپایه مطالعات زبان‌شناسی گاهانی، زبان گاهان را با مشرق ایران انطباق داد و ایرانویج را در شرق ایران کنونی دانست (عفیفی، ۱۳۷۴: ۴۵۱). علاوه بر ایشان، مطالعات دیگر زبان‌شناسان و تحقیقات باستان‌شناسان در ناحیه شمال‌شرق ایران ثابت کرد که مکان ایرانویج در شمال‌شرق ایران بود (صفا، ۱۳۹۰: ۱۷۰). براساس داده‌های باستان‌شناسی، اقتصاد قبایل هندوایرانی در این ناحیه مخلوطی از کشاورزی و گلهداری، با تسلط گلهداری بوده‌است (همان: ۱۶۶)، برپایه نوشته‌های اوستا نظام اقتصادی دامداری در حیات اقتصادی این اقوام اهمیت بسیاری داشت (شوارتز، ۱۳۸۷: ۷۷۷)؛ بنابراین اقوام هندوایرانی ناحیه ایرانویج با اقتصاد غالب دامداری روزگار می‌گذرانند.

در اوستا ایرانویج به عنوان بهشت طلایی توصیف شده‌است، که صحنه فرمانروایی پدرا نه جمشید پادشاه افسانه‌ها بود. در این دنیای رؤیایی جمشید «دارنده رمه خوب» و انسان‌ها، با خدایان انجمن می‌کردند و با رمه‌های‌شان عمر را در شادی و فراوانی به سر می‌بردند (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۱۵). در این باره در فرگرد یک وندیداد آمده: اهورامزدا ایرانویج را نخستین و آبادترین در میان شانزده کشور دیگر آفرید، ایرانویج در کنار رود دائیتا آفریده شد. در این سرزمین دو ماه تابستان و ده ماه زمستان بود (فرگرد یک وندیداد، بندهای ۲۰ - ۴۳).

براساس تحقیقات زمین‌شناسان در محدوده جغرافیای فرهنگ هندوایرانی ساکن در شرق ایران خشکسالی روی داد. این تغییرات آب و هوایی منجر به مهاجرت آنان به فلات ایران گردید (فیروزمندی و سرفراز، ۱۳۸۹: ۱۵). هندوایرانیان در دو گروه جداگانه به هند و ایران مهاجرت کردند (فرای، ۱۳۸۶: ۴۳). گروهی که به ایران آمدند با سرزمینی مواجه شدند که از نظر آب‌وهوایی با سرزمین پیش آن‌ها بسیار متفاوت بود و توسط اقوام بومی چون ایلامی‌ها و اقوام ناحیه زاگرس مانند لولوبی‌ها، گوتی‌ها، کاسی‌ها مسکون بود (بهزادی، ۱۳۸۳: ۷۰۶). با این شرایط در ذهن آریایی‌ها سرزمین نخست‌شان عزیز و خاطره‌انگیز تلقی شد، شاید به این جهت که عناصر ایرانی فقط با خودشان می‌زیسته‌اند و در فضای ویژه با رمه‌های خویش پیوسته در رفت‌وآمد و کوچ‌وحرکت بودند (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۱۶). واژه ایرانویج در اوستا به صورت Airyana.vaējah به معنی «مهد ایرانی» آمده است (Bartholomea, 1904: 1313). در واقع ایرانویج جایی بود که فرهنگ و اندیشه‌های

اصیل ایرانی در آن مکان پرورده شد. با مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران چون روزگار دراز بر خاطره آن مکان گذشت و تارهای افسانه دور این مهد را فراگرفت، این سرزمین جنبه مینوی گرفته و به مانند بهشت روی زمین تعریف شد (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۰۳). این بهشت ازلی جایی بود که در جغرافیای واقعی گذشته وجود داشت و نیروی اسطوره در بدل شدنش به بهشت مؤثر افتاد و هدف آن اسطوره، بازنمایی همان بهشت ازلی بود (همان منبع: ۲۲۷). به این ترتیب در پی مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران، ایران‌ویج از جغرافیای واقعی رخت برست و به مکانی درون کهن‌الگوهای قومی منتقل شد (کربن، ۱۳۵۸: ۵۰). بنابراین آریایی‌های وارد شده به فلات ایران یک کهن‌الگو قومی به صورت بهشت ازلی را در ذهن خویش شکل بخشیدند و با این نگرش، زیست خود را در ناحیه جغرافیای کاملاً متفاوت ایران با ایران‌ویج آغاز نمودند.

۲-۲. پردیس به مثابه آرمان‌شهر

جغرافیای ایران آشکارا چشم‌اندازی متنوع و بسیار ناهموار و بی‌آب و علف دارد. ایران از نظر شکل، به یک جام با لبه‌های برآمده تشبیه شده که شامل پستی و بلندی‌های نامنظم داخلی است. سمت شمال و غرب به وسیله کوه‌های بلند و درهم تنیده و سمت جنوب و شرق با کوه‌های پست‌تر و از هم جدا افتاده احاطه شده است، درحالی‌که از یک سو دریا و از سوی دیگر سرزمینی بی‌نهایت خشک به شکل موانعی کشور را احاطه کرده، این عوامل جغرافیایی، ایران را به شدت ناهمگون ساخته است (موری، ۱۳۸۰: ۱۵ و ۱۶). در کل سرشت واحه‌ای جغرافیای ایران، ماهیت سکونتگاه‌ها و استقرارها را تعیین می‌کرد (فرای، ۱۳۹۲: ۳۹)؛ از طرفی سرزمین ایران همواره با مشکل کمبود آب مواجه بوده است. منابع آبی ایران در فضای نامتعادل پخش شده، میزان تبخیر آب در این ناحیه بسیار بالاست (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۸۳). از همین رو، آب در آداب و رسوم و معتقدات مذهبی ایرانیان بسیار مورد احترام و حرمت بوده است (رضی، ۱۳۸۴: ۱۶).

آریایی‌ها با نظام اقتصادی مبتنی بر دامداری وارد چنین جغرافیایی شدند که از چراگاه‌های گسترده و زمین‌های پرآب پیش‌خبری نبود. محدودیت‌های جغرافیایی ایران به نسبت مسکن قبل آریایی‌ها از عوامل اصلی بود که آنها، یاد و خاطره ایران‌ویج را در ذهن‌شان تداعی ساختند. در این میان آریایی‌ها با اقوام بومی ایران و فرهنگ بین‌النهرین روبه‌رو شدند، سرزمین بین‌النهرین دارای شهرهای آباد مبتنی بر نظام اقتصاد کشاورزی بود (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۳ تا ۱۵)، در فرهنگ بین‌النهرین برخلاف فرهنگ کوچ‌نشین آریایی مفاهیمی چون شهر و شاه که شاه حاصل تمرکز قدرت در دولت - شهرهای بین‌النهرین بود، کاملاً شناخته شده و جاافتاده بود (کرافورد، ۱۳۸۴: ۳۰۲). گروهی از آریایی‌ها تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرین رفته‌رفته یکجانشین شدند و به کشاورزی روی آوردند (بهار،

در این میان حملات امپراتوری قدرتمند آشور به ناحیه غرب ایران آرامش را از اقوام بومی و آریایی ساکن در این منطقه ربود، در نتیجه اقوام این ناحیه برای آنکه بتوانند در برابر دشمن مشترک‌شان بیستند، باهم متحد شدند. اتحاد این اقوام سبب شکل‌گیری حکومت ماد شد (دیاکونف، ۱۳۸۸: ۱۳۹). مادها در ایجاد حکومت‌شان بسیاری از عناصر اندیشه سیاسی خود را از تمدن بین‌النهرین به‌ویژه امپراتور آشور اقتباس کردند (دهقان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۶). اقوام ناحیه زاگرس از خلال هدف مشترک یعنی دفاع از سرزمین مشترک دارای اندیشه مشترک شدند، این عامل سبب ایجاد هویت مشترک بین این اقوام شد (نیک‌گهر، ۱۳۸۳: ۸۳).

اقوام ناحیه زاگرس که دارای هویت مشترک شدند برای نمایش تمرکز قدرت خویش مانند تمدن بین‌النهرین به شهرسازی روی آوردند اما همچنان کهن‌الگوی بهشت ازلی ایران‌ویج را که بازتابی از زندگی کوچ‌نشینی و جغرافیایی سرسبز و پرآب آن ناحیه بود، در ذهن داشتند و مادها خواهان بازآرایی آن در جغرافیای ناهمگون و کم‌آب ایران بودند و به این ترتیب این کهن‌الگو را در ساخت شهر بروز دادند. به این ترتیب آن‌ها شهر هگمتانه را برپا ساختند که مکان آن برای باستان‌شناسان هنوز در پرده ابهام می‌باشد (عبدی، ۱۳۷۲: ۱۸). هردوت در کتاب تواریخ خود تصویر روشنی از این شهر ارائه می‌دهد: «مادها شهری بر روی تپه‌ایی بنا کردند که باروهای آن کلان و استوارند و شمار دیوارهای گرداگرد آن هفت است و در درون درونی‌ترین دیوار، کاخ شاهی و گنج‌خانه قرار دارد» (همان: ۱۸).

فتح... مجتبیایی در مورد شهر هگمتانه تصویر جالبی دارد: «شهر اکباتان، مرکز فرمانروایان شاهان ماد، صورت و نمونه کامل کیهان بزرگ تصور می‌شود و همچنان که عرش اعلی یا «گرزمان» که برترین پایه آسمان است، مقام خداوند و ملایک مقرب (امشاسپندان) است، مرکز هفت حصار شهر نیز کاخ شاهی بود. شاه که نماینده خدا در روی زمین به شمار می‌رفت، با نزدیکان و یاران خود در آنجا مقام داشت از این رو بوده است که باغ‌های اطراف کاخ شاهی را «پَرَدَئِزَه» یا فردوس می‌گفته‌اند» (مجتبیایی، ۱۳۵۳: ۱۴۹). به نظر می‌رسد هگمتانه، آرمان‌شهر اتحادیه ماد است و از همین دوران سه شاکله اندیشه سیاسی ایران باستان یعنی آرمان‌شهر، شاه‌آرمانی و طبقات سه‌گانه اجتماعی شکل می‌گیرد.

همان‌طور که در شرح هگمتانه آمد، دیوار فضای درون هگمتانه را از محوطه بیرون آن جدا می‌کند. دیوار از طریق جداسازی، فضای مستقلی را ایجاد می‌کند و نوعی فاصله‌گذاری با جهان بیرون است (طوسی و امامی‌فر، ۱۳۹۰: ۷۰)، دیوار نقش اساسی در شکل‌دهی شهر با مفهوم آرمانی دارد. آرمان‌شهرها که نمونه بهشت ازلی هستند به شکلی

دیگر نیز در فضای معماری شهرهای زمینی اثر گذاشتند و آن در ساخت باغ‌شهرها و باغ‌سازی ایرانی دیده می‌شود (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۴۸). در واقع پردیس در ایران باستان نمونه‌ایی از آرمان‌شهر است، که همچنان دیوار مهم‌ترین جزء شکل‌دهی آن می‌باشد؛ زیرا سبب می‌شود پردیس از مناطق پیرامونی جدا شود و مفهومی مینوی بگیرد؛ پس این عنصر معماری پردیس را جهان‌گزینشی نسبت به مناطق پیرامونی معرفی می‌کند. دیوار ایجاد خط و مرزی میان دو فضای ناهمگون است تا فضایی ممتاز و مقدس شمرده شود و فضای دیگر دنیوی و بی‌ارزش (الیاده، ۱۳۸۹: ۳۴۹). پردیس که واژه‌ایی مادی است در کتیبه اردشیر دوم در شوش به صورت Pardayadām (Kent, 1953: 155) به معنی «محصوره در دیوار» نگارش یافته و در زبان اوستایی به صورت -Pairi daēza آمده که واژه «پالیز» تحوّل یافته این واژه می‌باشد (Bartholomea, 1904: 865).

وَرَجَم‌کرد در اسطوره جمشید نیز نمونه یک آرمان‌شهر است. در این اسطوره با فرارسیدن زمستانی هراس‌انگیز، اهورامزدا به جم می‌گوید: در طی این زمستان گیاهان و رمه‌ها از بین می‌روند، «وری» (پناهگاهی) بساز و از هر موجودی نیکوترین را به داخل آن ببر. پس جمشید دژی را ساخت که در آن آب‌ها، در آبراهه‌ها جریان داشتند. چمن‌ها همیشه سبز و خرم و خوردنی همواره و تمام‌نشدنی، با خانه‌های مرتفع و گسترده و استیل گاو و گوسفندان بود. برترین، بزرگترین و نیکوترین نژاد نرینه و مادینه روی زمین را آنجا برد، که انسان در آن بهترین زندگی را داشتند (وندیداد، فرگرد دوم، بندهای ۳۵ و ۳۴، ۳۳). همان‌طور که روشن است وَرَجَم‌کرد مانند پردیس یک جهان‌گزینشی است، که بهترین آفریدگان انتخاب و در آن‌جا پرورش یافته، گویی وَرَجَم‌کرد گونه‌ایی از زندگی یکجانشینی را القا می‌کند؛ زیرا وَرَجَم‌کرد، ناحیه‌ایی منتخب است، که در پیرامونش دیوار کشیده شده و در آن محدوده خانه‌هایی بلند برای مردمان ساخته شده، یک چنین ساختمان‌ها و ایجاد آبراهه‌ها که نشان‌دهنده آبراهه‌های مصنوعی است، شیوه زندگی یکجانشینی را بازتاب می‌دهد. انتخاب بهترین چارپایان و گیاهان و پرندگان، بر زندگی طولانی مدّت در این مکان اشاره دارد. واضح است این دژ شکل کوچک شده ایران‌ویج سرسبز و پرآب را عرضه می‌کند که خاطره بهترین شیوه زندگی را در ذهن آن‌ها گذاشت و به کهن‌الگو تبدیل شد و مفهوم بهشت ازلی را در ذهن متبادر ساخت.

از دوران هخامنشی آرمان‌شهر عمدتاً با ساخت پردیس رخ نشان داد. شاهان هخامنشی در کتیبه‌های‌شان اعلام نمودند به خواست اهورامزدا، کاخ را بنا کردند (Kent, 1953: 142-155) به این ترتیب با دخالت دادن خواست اهورامزدا در ساخت کاخ بر جنبه قدسی و آرمانی بودن فضای کاخ تأکید کردند و به حضور خود در آن مکان مشروعیت دادند (خسروی، ۱۳۹۳: ۱۴۳). در کتیبه اردشیر دوم در شوش آمده: «بخواست

اهورامزدا، این کاخی است که من در زندگی چون پردیسی ساختم» (Kent, 1953: 155). کاخ‌ها هخامنشی به صورت پردیس بازتابی از عالم مینوی و آرمانی‌اند، پس این مکان آرمانی به شخصیت شاه نیز حالت آرمانی می‌بخشد. آرمان‌شهر و شاه‌آرمانی، از پایه‌های اندیشه سیاسی ایران باستان است، اندیشه سیاسی ایران باستان خود جزیی از دایره قدسی بود (رجایی، ۱۳۷۲: ۱۱) و این دایره قدسی نمونه‌ی متعالی زمین را نمودار می‌ساخت (عزتی‌پرور، ۱۳۷۷: ۱۵۲). هخامنشیان برای آشکارسازی اقتدار سیاسی‌شان از معماری سود بردند و در ساخت آن الگوی آرمان‌شهر مادی را در نظر داشتند. از جمله پردیس‌های دوره هخامنشی، پردیس پاسارگاد بود که توسط کوروش بزرگ ساخته شد، ساخت باغ در دوران آشور و بابل نیز رایج بود که جزیی مجزاً یا مکمل برای کاخ بوده‌اند، در حالی که در پردیس کوروش باغ به صورت اقامتگاه سلطنتی درمی‌آید. در طرح باغ پاسارگاد، شماری آب‌گذر سنگی وجود دارد که نه تنها نشان‌دهنده یک باغ رسمی‌اند، بلکه به ترکیب بخش‌های مختلف محدوده کاخ به صورت واحد کمک می‌کنند. پردیس پاسارگاد، الگوی چهارباغ به عنوان یکی از ماندگارترین ابداعات هخامنشی در عرصه طراحی یادمانی باغ در نیمه دوم قرن ششم پ.م را به منصفه ظهور گذاشت (استروناخ، بی تا: ۶۱ و ۶۰). در این معماری وجود آبراهه‌های مصنوعی بازآرایی رود را به تصویر می‌کشند. از دیگر پردیس‌های هخامنشی تخت گوهر است که آن را آرامگاه ناتمام کمبوجیه می‌دانند (استروناخ، بی تا: ۶۲).

داریوش نیز برای نمایش اقتدار خویش و بازنمایی آرمان‌شهر خود از ساخت کاخ بهره برد، وجود نقش گیاهانی چون سرو و گل نیلوفر در تخت جمشید (فیروزمندی و سرفراز، ۱۳۸۹: ۱۳۶ و ۱۲۹)، عناصری هستند که فضای پردیس را نمایش می‌دهد. سرو از جمله درخت‌هایی است که در ایران مقدس می‌باشد. کهن بودن آن نوعی ازلی بودن را القا می‌کند و تقدس آن به عصر بسیار کهن درخت‌ها برمی‌گردد که درخت کهن ستون کیهانی انگاشته می‌شد (بهار، ۱۳۸۴: ۱۹۸). مهرداد بهار در تفسیر از محیط مینوی ایرانی می‌گوید:

با تحوّل اندیشه‌های دینی، این بهشت‌های زمینی به آسمان رفت ولی اندیشه درخت برابر ستون سنگی قدرت یافت، معابد دیگر باغ‌های مقدس پر درخت نبودند، ولی همه پر از ستون‌های بلند بودند که همان فضای مقدس را در ذهن انسانی که در هزاره اول سخت انتزاعی می‌اندیشید به وجود می‌آورد: باغ‌های مقدس سنگی. (همان منبع: ۱۸۱)

نقش دیگر در تخت جمشید نیلوفر است، نیلوفر نماد آب است و از دیرباز مورد تقدس بسیاری از اقوام بود (فرقدان و هوشیار، ۱۳۸۹: ۴۹)، در بندهش نیلوفر گل خاص آناهیتا است (بهار، ۱۳۸۵: ۸۸). آناهیتا با آب و رویش و رشد گیاهان ارتباط ملموسی دارد (معینی سام و

خسروی، ۱۳۹۰:۳۲۴) و نام سه بخشی او به صورت اردوی سورا اناهیتا به معنی «مرطوب، نیرومند و بی‌گناه» به روشنی به سه خویشکاری برکت‌بخشی، رزم‌آوری و روحانی اشاره دارد (گیمن، ۱۳۸۱:۲۳۶) که دومزیل این‌ها را به عنوان سه خویشکاری برای جوامع هندوایرانی برمی‌شمارد (بهار، ۱۳۸۴:۲۲). با این تفاسیر نیلوفر یکی از نقوشی است که با محیط و جامعه هندوایرانی ساکن در ایران‌ویج مرتبط است و تخت‌جمشید معماری است که هدفش بازنمایی اقتدار شاه از خلال ساخت پردیس (آرمان‌شهر) می‌باشد. از دوره هخامنشی تا عصر حاضر ساخت پردیس‌ها تداوم داشت و حتی مورد تقلید شاهان و فرمانروایان سلوکی و رومی قرار گرفت (کخ، ۱۳۸۷:۳۱۱)، با ورود اسلام به ایران مفهوم آن براساس جهان‌بینی اسلامی دگرگون شد. واژه پردیس که واژه ایرانی است، داخل تمام زبان‌های دنیا شده است (شارپ، ۱۳۸۴:۱۳۹) و تا به امروز در زبان فارسی کاربرد دارد.

۳. نتیجه

مسکن اولیه اقوام هندوایرانی در ناحیه شرق ایران بود، این منطقه دارای آب فراوان و چراگاه‌های بسیار برای گله‌های این اقوام بود. این اقوام در این ناحیه آزادانه در فضای سرسبز روزگار می‌گذراندند، اما در پی تغییرات آب و هوایی مجبور به مهاجرت به دو سرزمین ایران و هند شدند. گروهی از این اقوام که به ایران آمدند با جغرافیای بسیار ناهمگون و کم‌آب ایران مواجه شدند؛ بنابراین به یاد سرزمین پرآب و سرسبز خود افتادند و چون روزگاری دراز از زندگی‌شان در آن ناحیه گذشته بود، هاله‌ای از افسانه و اسطوره این سرزمین را فراگرفت و در ذهن ایرانی‌ها به صورت کهن‌الگو درآمد. آریایی‌های دامدار براساس جغرافیای ایران و زیرتأثیر نظام اقتصادی بین‌النهرین یکجانشین و کشاورز شدند، در این میان حملات مکرر آشور به غرب ایران و اتحاد اقوام ساکن در این ناحیه برای دفاع از سرزمین مشترک‌شان به تأسیس حکومت ماد منجر شد. آنها برای نمایش قدرت سیاسی خویش تحت‌تأثیر شهرسازی بین‌النهرین و بازنمایی کهن‌الگوی قومی، یعنی بهشت ازلی ایران‌ویج عمل نمودند. در نتیجه فضای معماری شهر را با دیواری از مناطق پیرامونی جدا کرده و آنجا را مکانی آرمانی ساختند و به ناحیه اطراف کاخ شاه پردیزه گفتند، با روی کار آمدن هخامنشیان که آنها نیز درصدد نمایش قدرت خویش از رهگذر معماری بودند، از الگوی آرمان‌شهر مادی پیروی کردند، هخامنشیان با ایجاد آرمان‌شهر به جهان مثال نیز سرو سامان دادند اما آرمان‌شهر هخامنشی (پردیس) فقط فضای زندگی شاه و درباریان را دربرمی‌گرفت نه تمام شهر را. آنها در ساخت آرمان‌شهر به ایجاد باغ‌هایی در ترکیب با معماری کاخ روی آوردند به طوری که پردیس پاسارگاد برای اولین بار الگوی چهارباغ ایرانی را در معماری یادمانی باغ به منصه ظهور گذاشت و گاه کاخ‌های

هخامنشی مثل تخت جمشید تمام فضای معماری به مانند پردیسی بود. این نوع معماری مورد تقلید شاهان سلوکی و رومی قرار گرفت و ساخت آن در دوران اسلامی تداوم یافت، واژه پردیس نیز وارد تمام زبانه‌های دنیا شد و در ادبیات امروز نیز کاربرد دارد.

کتابنامه

الف: منابع فارسی

۱. الیاده، میرچا. (۱۳۸۹). *رساله در تاریخ ادیان*. مترجم جلال ستاری. چاپ چهارم. تهران: سروش.
۲. بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). *از اسطوره تا تاریخ*. به ویراستاری ابوالقاسم اسماعیل پور. چاپ چهارم. تهران: نشر چشمه.
۳. بهزادی، رقیه. (۱۳۸۹). *آریاها و ناآریاها در چشم‌انداز کهن تاریخ ایران*. چاپ سوم. تهران: انتشارات طهوری.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۱). *جغرافیای سیاسی ایران*. چاپ پنجم. تهران: سمت.
۵. حیدری، فاطمه و بهیانی. (۱۳۸۷). *باغ ایرانی*. چاپ اول. تهران: همشهری.
۶. خسروی، زینب. (۱۳۹۳). *اندیشه سیاسی در دوران تاریخی ایران به استناد داده‌های باستانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی. به راهنمایی کریم حاجی‌زاده. دانشگاه محقق اردبیلی: اردبیل.
۷. دشن‌گیمن، جی. (۱۳۸۱). *دین ایران باستان*. چاپ سوم. ترجمه رویا منجم. تهران: علم.
۸. دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ. (۱۳۸۸). *تاریخ ماد*. ترجمه کریم کشاورزی. چاپ نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۰). *تاریخ مردم ایران* (ایران قبل از اسلام). چاپ دهم. تهران: امیرکبیر.
۱۰. رجایی، فرهنگ، (۱۳۷۲). *تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان*. چاپ اول. تهران: قومس.
۱۱. رضایی‌راد، محمد. (۱۳۸۹). *مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی*. چاپ دوم. تهران: طرح نو.
۱۲. رضی، هاشم. (۱۳۸۴). *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*. چاپ اول. تهران: سخن.
۱۳. سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی. (۱۳۸۹). *باستان‌شناسی و هنر دوران ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی*. چاپ دهم. تهران: مارلیک.
۱۴. شارب، رلف نارمن. (۱۳۸۴). *فرمان‌های شاهنشاهی هخامنشی که به زبان آریایی (پارسی - باستان) نوشته است*. چاپ ششم. تهران: موسسه فرهنگی و انتشارات پازینه.

۱۵. شوارتز، ام. (۱۳۸۷). **تاریخ ایران کمبریج جلد اول (قسمت دوم)**. ترجمه تیمور قادری. چاپ اول. تهران: مهتاب.
۱۶. عقیقی، رحیم. (۱۳۷۴). **اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی**. چاپ دوم. تهران: توس.
۱۷. فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۸۶). **میراث باستانی ایران**. ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ هشتم. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۸. _____ (۱۳۹۲). **عصر زرین فرهنگ ایران**. چاپ پنجم. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
۱۹. فرنخ دادگی، بندهش. (۱۳۸۵)، **بندهش**. گزارنده مهرداد بهار. چاپ سوم. تهران: توس.
۲۰. کخ، ماری. (۱۳۸۷). **از زبان داریوش**. چاپ پنجم. ترجمه پرویز رجبی. تهران: امیرکبیر.
۲۱. کرین، هانری. (۱۳۵۸). **ارض ملکوت** (کالبد انسان در روز رستاخیز از ایران مزدایی تا ایران شیعی). ترجمه ضیاءالدین دهشیری. تهران: مرکز مطالعات فرهنگ‌ها.
۲۲. کریستن سن، آرتورامانوئل. (۱۳۸۲). **مزدآپرستی در ایران قدیم**. ترجمه ذبیح‌ا... صفا. چاپ پنجم. تهران: هیرمند.
۲۳. مجتبیایی، فتح‌ا... (۱۳۵۳). **شهر زیبای افلاطون و شاه آرمانی در ایران باستان**. چاپ اول. تهران: انجمن فرهنگی ایران باستان.
۲۴. مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۰). **تاریخ و تمدن بین‌النهرین**. جلد سوم: هنر و معماری. چاپ اول ویراستار نیره توسلی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. موری، پی. آر. اس. (۱۳۸۰). **ایران باستان**. ترجمه شهرام جلیلیان. چاپ اول. تهران: مؤسسه و انتشارات فروهر.
۲۶. نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۸۳). **مبانی جامعه‌شناسی**. چاپ اول. تهران: توتیا.
۲۷. ویلبر، دونالد. (۱۳۸۵). **باغ‌های ایرانی و گوشک‌های آن**. چاپ اول. ترجمه مهین‌دخت صفا. تهران: علمی و فرهنگی.

ب. مقاله‌ها

۲۸. استروناخ، دیوید. (بی‌تا). «**شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایرانی**». ترجمه کامیار عبدی. مجله اثر. شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۷۵ تا ۵۴.
۲۹. پرهام، مهدی و فرزاد قائمی. (۱۳۸۹). «**کهن‌الگوی شهر پردیسی و انواع و نمودهای آن در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی**». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. دوره ۲. شماره ۱۷، صص ۱۵۱ تا ۱۷۰.

۳۰. دهقان‌نژاد، مرتضی. (۱۳۸۶). «تأثیر جنگ در شکل‌گیری نخستین دولت در ایران» (شاهنشاهی ماد ۷۵۰-۵۵۰ ق.م). مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره ۲. شماره ۴۸، صص ۱۰۹ تا ۱۲۵.
۳۱. صفا، مینا. (۱۳۹۰). «اقوام هندوایرانی و سرزمین ایران‌ویج». مجله جستارهای تاریخی. سال ۲. شماره ۱، صص ۱۵۷ تا ۱۷۷.
۳۲. صفری، امرا...، (۱۳۶۵). «باغ و باغ‌آرایی». فصلنامه هنر. سال ۳، شماره ۱۱. ۱۹۸ تا ۲۵۵.
۳۳. طوسی، معصومه و سید نظام‌الدین امامی‌فر (۱۳۹۰) «نمادشناسی و نشانه‌شناسی عناصر باغ‌های ایرانی با توجه به عناصر فین کاشان». فصلنامه علمی- پژوهشی نگره. سال ۶. شماره ۱۷، ۷۱ تا ۵۹.
۳۴. عالمی، مهوش. (۱۳۹۰). نمادپردازی در باغ ایرانی با حس طبیعت در باغ‌های سلطنتی صفوی. مجله هنر و معماری. شماره ۱۷، ۱۳ تا ۱۶.
۳۵. عبدی، کامیار. (۱۳۷۲). «وارسی دوره ماد»، (قسمت اول: دوره ماد). مجله باستان‌شناسی و تاریخ. دوره ۸. شماره پیاپی ۲ (۱۶). ۱۵ تا ۲۸.
۳۶. عزتی پرور، عباس. (۱۳۷۷). تصویر دو جهان. نامه فرهنگ. سال ۸. شماره ۳۰. صص ۱۵ تا ۳۰.
۳۷. فرقدان، عاطفه و مهران هوشیار. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی گل نیلوفر آبی در ایران، هند و مصر». فصلنامه نقش مایه. سال ۳. شماره ۶، صص ۴۹ تا ۵۸.
۳۸. معینی‌سام، بهزاد و زینب خسروی. (۱۳۹۰). پیوند آناهیتا و ایستر بابل. مجله مطالعات ایرانی. سال ۱۰. شماره ۲۰، صص ۳۱۹ تا ۳۳۰.

ج: منابع لاتین

۴۰. Bartholomea, chr. (1904). *Altiranische, wörterbush*. Strassbur.
۴۱. Kent, R.G, (1953). *Old Persian (Gerammar, Texts, Lexicon)*. New Haven. 2
۴۲. Reichelt, H. (1911) . *Avesta Reader* . Strassburg .